

بسم الله الرحمن الرحيم

خبرگزاری فارس

یادداشتهای ریشه یابی مشکلات تحول تعلیم و تربیت - بخش بیست و پنجم

پرورش ذهنهای خلاق در فضای سایبر با منابع بسیط و واگرا

اردوان مجیدی

۱۵ شهریور ۹۹

محتوای آموزشی باید به گونه‌ای باشد که شاگرد را به فکر وادار کند، راه کشف را برای او باز بگذارد، همه مسئله و راه حل را تا ته آن حل نکند، به صورتی که شاگرد بتواند برداشتهای مختلفی از آن داشته باشد.

در کتابهای درسی همگرا، وقتی ما موضوعات را به شکل موضوعات درسی کلیشه می‌کنیم، می‌شکنیم، تجزیه می‌کنیم و از حالت بسیط آن خارج می‌کنیم و به یک موضوع تجزیه شده در می‌آوریم، ذهن را دقیقاً به سمت خاصی می‌بریم. اما اگر محتوای آموزشی به گونه‌ای باشد که شاگرد را به فکر وادار کند، راه کشف را برای او باز بگذارد، همه مسئله و راه حل را تا ته آن حل نکند، و یا حداقل راه‌های مختلف را مطرح کند، و به دیدگاهها و زوایای مختلف از موضوع اشاره کند، به صورتی که شاگرد بتواند برداشتهای مختلفی از آن داشته باشد؛ این یک بسته واگرا است.

در سلسله یادداشتهایی، به ریشه یابی و کالبد شکافی مشکلات ماهوی نظام تعلیم و تربیت و ارائه راه‌حل‌های ممکن پرداخته بودیم. این بیست و پنجمین بخش از این یادداشتهای است.

در یادداشتهای قبلی به اجمال، اشاره ای به ابعاد **پارادایم جدید تعلیم و تربیت** کردیم. در این یادداشت ابعاد دیگری از این پارادایم را مورد بحث قرار خواهیم داد. این یادداشت و چند یادداشت بعدی، از بخشهایی از کتاب **”گذار در بحران؛ تعلیم و تربیت در گذار به سمت نظام برتر“**، تالیف نگارنده همین یادداشتها، که در حال انتشار در انتشارات خبرگزاری فارس است، انتخاب شده است.

چند سطحی؛ میدانی متفاوت پشت تغییر باورهای ما

در یادداشتهای **بیست و سوم و بیست و چهارم** در مورد چند سطحی صحبت کردیم. دیدیم که در شرایط آموزش کرونائی در فضای سایبر و استفاده از بسته‌های آموزشی، هر یک از شاگردان ممکن است یک بسته آموزشی را با سرعتی متفاوت بگذارند، و به سراغ بسته بعدی بروند. به این ترتیب میدانی فراهم می‌شود که شاگردان یک کلاس در دروس مختلف در سطوح مختلف قرار داشته باشند.

چند سطحی بستگی به زاویه نگاه ما بخصوص از منظر روش مدیریت کلاس و تدریس دارد. در چند سطحی پارادایم اداره کلاس و یادگیری عوض می‌شود. در این پارادایم کلاس چند سطحی یک فرصت یا حتی یک ضرورت است.

معلمینی که فقط خودشان را به کتاب درسی محدود می‌کنند، و به اندازه‌ی کتاب درسی خوراک و محتوی برای شاگردان آماده کردند، از تدریس چند سطحی واهمه دارند؛ و به همین دلیل جلوی حرکت شاگردان را می‌گیرند.

ما شاگردان را منکوب می‌کنیم، جلوی حرکت آنها را می‌گیریم، نه به دلیل اینکه شاگرد خوب یاد نمی‌گیرد، بلکه به دلیل این که نمی‌توانیم برای آنها خوراک فراهم کنیم. می‌گوییم همه باید با هم حرکت کنند، برای این که اگر شاگردی سریع حرکت کند، بعداً نمی‌دانیم با او چه کار کنیم.

در این یادداشت، در این مورد بیشتر صحبت می‌کنیم.

برداشتهای متفاوت از یک منبع ترکیبی و بسیط

در آموزش چند سطحی یکی از چیزهایی که می‌تواند به عنوان زمینه‌ی آموزش قرار بگیرد، استفاده از محتوایی است که ماهیتاً می‌تواند در سطوح مختلف آن برداشتهایی انجام شود. در یک مثال، در یک خانه، سه نفر نشسته‌اند، و دارند فیلم مستندی را می‌بینند. مثلاً فیلم علمی فرستادن یک مریخ‌نورد، به کره‌ی مریخ و انجام آزمایش‌هایی در آنجا، یا راجع به حیات نرم تنان در خلیج فارس، یا طبیعت زیبای کویر لوت. فرض کنید پدر در حد

استاد دانشگاه، یک جوان دانشجو، و یک کودک در سالهای آخر دبستان، سه نفره این فیلم را می‌بینند. هر سه از دیدن فیلم لذت می‌برند. هر سه برداشت‌های خود را دارند. یعنی اگر شما از هر سه نفر سؤال کنید که آیا چیز جدید یاد گرفتید؟ خواهند گفت: ”بله! چیزهای جالبی داشت؛ من چیزهای جدیدی یاد گرفتم“.



ولی قاعدتاً چیزهایی که یاد می‌گیرند ممکن است برای هر کدام متفاوت باشد. ممکن است آن کودک تا حالا حلزون دریایی را ندیده باشد؛ اما اینجا با آن آشنا می‌شود. ضمن اینکه زیبایی‌های زیر آب برای او جالب است. برداشت او در این حد است. آن دانشجو قبلاً حلزون دریایی را دیده بوده، و طریقه حرکت موجی بدن حلزون و عمل بادکش‌های زیر آن، برای او جلب توجه می‌کند. همینطور ارتباط آنها با مرجانها و نیز روش پژوهش آن پژوهشگر، و غواصی در آب. آن استاد دانشگاه رشته‌ی ادبیات هم ممکن است تعدادی شعر یا حکمت به ذهنش بیاید، و خلقت عالم، و تکامل موجودات از آب به سمت خشکی، مسائلی باشد که در ذهن او شکل می‌گیرد.

آنها هر کدام در حد خودشان به فیلم و موضوع نرم‌تنان در خلیج فارس توجه می‌کنند، نگاه می‌کنند، و هر کدام برداشت‌های خاص خود را دارند. چرا؟ چون موضوعی که ارائه می‌شود، موضوع آن محمل، کلیشه شده نیست.

محملی است که رخداد یا واقعیتی را بیان می‌کند. در بیان واقعیتها ممکن است مخاطب طیف‌های مختلفی از موضوعات و مسائل را در آن رخداد یا واقعیت برداشت کند.

ذهن‌های حبس شده در کلیشه‌های از پیش تعریف شده

فرص کنید بطری آبی را جلوی چند نفر بگذاریم تا به آن نگاه کنند. این افراد، ممکن است چیزهای مختلفی در مورد این بطری آب به ذهنشان خطور کند. یکی راجع به فیزیک آن و حجم و وزن و حالت ماده آن، نفر دیگر ممکن است برداشتی از مایه حیات بودن و حیات بخش بودن آن، دیگری ممکن است در طبیعی یا غیر طبیعی بودن استحصال و سلامت این آب فکر کند، شخص دیگر ممکن است به شفافیت و زلال بودن آب فکر کند، و دیگری به ابعاد عرفانی آن. هر کس ممکن است از زاویه‌ی خودش به این پدیده نگاه کند؛ چون یک پدیده‌ی واقعی و بسیط است.

ولی وقتی ما موضوعات را به شکل موضوعات درسی کلیشه می‌کنیم، می‌شکنیم، تجزیه می‌کنیم و از حالت بسیط آن خارج می‌کنیم و به یک موضوع تجزیه شده در می‌آوریم، ذهن را دقیقاً به سمت خاصی می‌بریم. اگر الان داریم راجع به تقسیم دو رقمی صحبت می‌کنیم، هر کسی نگاه کند می‌بیند تقسیم دو رقمی است، یا می‌فهمد یا نمی‌فهمد؛ ولی هر کسی هم بفهمد در حد تقسیم دو رقمی است و توضیحاتی که در آن درس داده شده است. بخصوص اگر روش مشخصی برای انجام تقسیم نوشته باشیم، و تاکید کرده باشیم که حتماً باید اینگونه عمل کنید.

از بسته‌های آموزش همگرا، تا بسته‌های آموزشی واگرا

ممکن است یک بسته آموزشی برای تقسیم دو رقمی داشته باشیم که محتوای آن حتی به صورت چند رسانه‌ای و الکترونیکی باشد، فیلم توضیحات معلم، انیمیشن، بازی، متن و نظایر آن هم داشته باشد. اما همه اینها دقیقاً مشخص کرده باشند که موضوع تقسیم دو رقمی اینگونه است و طبق این روش انجام می‌شود. این می‌شود همان کتاب درسی موجود، منتهی به صورت چند رسانه‌ای آن. این یک بسته همگرا است، همانگونه که کتابهای درسی موجود هم اغلب همگرا هستند، و بر اساس تفکر همگرا شکل گرفته اند. انتظار مربی‌ای که یک بسته همگرا را به شاگردان می‌دهد، آن است که شاگرد دقیقاً همان چیزی که در بسته نوشته یا بیان شده است را یاد بگیرد، و عیناً مطابق همان عمل کند.

اما اگر بسته آموزشی به گونه‌ای باشد که شاگرد را به فکر وادار کند، راه کشف را برای او باز بگذارد، همه مسئله و راه حل را تا ته آن حل نکند، و یا حداقل راه حل‌های مختلف را مطرح کند، و به دیدگاهها و زوایای مختلف از موضوع اشاره کند، به صورتی که شاگرد بتواند برداشتهای مختلفی از آن

داشته باشد. این یک بسته واگرا است. یک شاگرد ممکن است با مطالعه و درگیر شدن در بسته واگرا، به یک برداشت و نتیجه گیری برسد، و شاگرد دیگر به برداشت و نتیجه گیری دیگر.

البته با بسته‌های همگرا هم می‌توان سطحی از چند سطحی را اجرا کرد. اما در چند سطحی همگرا، فقط اجازه می‌دهید که شاگرد در محتوایی که شما تعیین کرده اید، و او باید عیناً همان محتوی را یاد گرفته و پس بدهد، با سرعت و توان خودش حرکت کند. یکی عقب‌تر و یکی جلوتر باشد. یکی حجم و تعداد بیشتری یاد بگیرد، و یکی تعداد و حجم کمتر. اما آنچه که یاد می‌گیرند، همان است که شما تعیین کرده اید، بدون امکان بروز خلاقیت و تفکر خود شاگرد. این چند سطحی همگرا است.

اما چند سطحی در شکل مطلوب‌تر آن، باید واگرا باشد و امکان تفکر و خلاقیت را به شاگرد بدهد. به صورتی که شاگرد استعداد و دغدغه‌های درونی خود را بروز دهد.



بخصوص اینکه در بسته‌های واگرا، مفاد ارائه شده، فقط مفاد درسی و کلاسی و تدریس یک معلم نیست. بلکه محتوایی است که ممکن است نگرش و برداشت شاگرد را به موضوع، اصلاح و تکامل دهد. ممکن است یک فیلم مستند یا حتی یک فیلم سینمایی باشد. اما فیلمی که کمک می‌کند شاگرد برداشت کامل‌تر و عمیق‌تری از موضوع داشته باشد.

از سوی دیگر بسته‌های همگرا باید از نظر حجم محدود و کم حجم باشد، که شاگرد بتواند آن را کاملاً مطالعه کرده و بتواند عیناً تمام مطالب مطرح شده در آن را پاسخ دهد. اما بسته‌های واگرا می‌تواند حجم زیادی داشته باشد، به نحوی که اصولاً شاگرد در حالت معمول نتواند و فرصت نکند که تمام بسته را ملاحظه کند. ممکن است بخشهایی از آن را انتخاب کند و ببیند، و در بخشهایی از آن درگیر شود. اگر بیشتر تمایل پیدا کرد، بیشتر ببیند. بسته واگرا باید مفصل باشد، البته شاگرد را گیج نکند، و شاگرد در نگاه اولیه و سریع بتواند برداشت کلی از موضوع داشته باشد. اما اگر خواست، بتواند بیشتر بخواند.

ضمن آنکه بسته‌های واگرا، به موضوعات بسیط، ترکیبی، کاربردی و محیط واقعی نزدیک‌تر است. وقتی شما در مورد کسب و کاری مشخص بسته‌ای را ارائه می‌کنید، موضوع ملموس و کاربردی است، و شاگرد آن

را لمس کرده و درگیر ابعاد آن می‌شود. ضمن این کسب و کار ممکن است موضوعات مختلف اجتماعی، ریاضی، دینی و نظایر آن مطرح شود. برداشتهای او هم در این زمینه می‌تواند متفاوت باشد.

اما اگر موضوعی تجزیه شده مثل تقسیم دو رقمی را به صورت یک بسته ارائه می‌کنیم، گرایش بیشتری به بسته‌های همگرا پیدا می‌کند. البته همان بسته تقسیم دو رقمی را هم اگر به این صورت مطرح کنیم که تبیین یک مسئله برای حل باشد، و شاگرد خودش به دنبال راه حل بگردد، یا راه‌های مختلف در آن مطرح شده باشد، و او بتواند راه حل دیگری علاوه بر راه‌های مطرح شده را نیز کشف و انجام دهد، می‌توانیم بسته را به سمت واگرایی حرکت دهیم.

یعنی اگر در مدرسه چند سطحی تدریس می‌کنم، می‌توانم بسته‌ی تقسیم دو رقمی را در بین بسته‌های شاگردان قرار داده و ارائه کنم. ولی تقسیم دو رقمی دیگر تقسیم دو رقمی است. ولی اگر موضوعاتی که در بحث چند سطحی مطرح می‌شود در محملی ارائه کنم یا فضایی فراهم کنم که محیط واقعی باشد، مثلاً در موضوع یک کشت و کار، دیدن یک فیلم مستند، یا بحث در مورد مسائل انسانی و اجتماعی، این‌جا ممکن است برداشت‌های مختلفی اتفاق بیفتد. در اینجا چند سطحی در عمق، می‌تواند بهتر محقق شده و معنادارتر باشد.

پس ما می‌توانیم موضوعاتی را ارائه کنیم که این موضوعات خود به خود می‌تواند به برداشت‌های مختلف از این موضوع کمک بکنند، و افراد در عمق‌های مختلف، سطوح مختلفی از یادگیری را داشته باشند. بخصوص بساطت موضوع و محتوی به این عمق‌یابی چند سطحی کمک می‌کند.



محتوای آموزشی بسیط، در سایه تغییر دیدگاه

حکایت‌ها، فیلم‌های مستند و قرآن از این دست است. بسیط بودن آیات قرآن، به همین شکل است. هر کس با فهم خودش برداشت می‌کند، و عمق‌های مختلفی از آن برداشت می‌شود. بارهای متعدد هم که قرآن را می‌خوانیم با عمق‌های مختلف برداشت می‌کنیم. یک بار می‌خوانیم یک چیز می‌فهمیم، بار بعدی می‌خوانیم چیز دیگری را هم می‌فهمیم، بار بعدی می‌خوانیم عمیق‌تر می‌فهمیم، و هیچ وقت هم تمام نمی‌شود. **استفاده از محتواهای بسیط در آموزش چند سطحی** به شدت می‌تواند به این که فضای خوبی برای آموزش چند سطحی شکل بگیرد، کمک کند.

البته لازم است که ما نگاهمان را از نوع ارزیابی موجود که فقط به سمت محتوای همگرا سوق می‌دهد، تغییر دهیم. ارزیابی با جوابهای مورد انتظار کاملاً مشخص و از پیش تعیین شده، آفت تعلیم و تربیت رشد دهنده و تفکر واگرا است.



در یادداشتهای بعدی، ان شاء الله ابعاد دیگری از پارادایم جدید تعلیم و تربیت را مورد بحث قرار خواهیم داد. ان شاء الله. الحمد لله رب العالمین.

کلمات کلیدی

اردوان مجیدی، مشکلات ماهوی نظام تعلیم و تربیت، پارادایم جدید تعلیم و تربیت، کلاس چند سطحی، منابع آموزشی همگرا، منابع آموزشی واگرا، منابع آموزشی بسیط، پرورش خلاقیت، گذار در بحران، نظام برتر.